

## بازخوانی سیره نبوی از میراث شعری صدر اسلام

حیدر محلاتی\*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

(از ص ۲۴۷ تا ۲۶۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۳۰

### چکیده

در سیره پیامبر اعظم (ص) درس‌ها و عبرت‌های بی‌شماری نهفته است. مسلمانان از زمان ظهور اسلام تا کنون همواره تلاش نموده‌اند این درس‌ها را مد نظر داشته و در زندگی فردی و اجتماعی خویش به کار بندند. در عصر آغازین ظهور اسلام، مسلمانان مکه و مدینه و به ویژه شاعران و سخن‌سرایان این دوره که از نزدیک با اخلاق قرآنی و منش خاتم رسل (ص) آشنا بوده و با چشمان خویش، رفتار انسانی پیامبر خدا را نظاره می‌کردند، به تدوین و تبیین این سجایای بی‌نظیر اخلاقی پرداخته و به عنوان زبان رسا و رسانه گویای جامعه اسلامی، گوشه‌ای از اقیانوس بی‌کران رحمت و عذوفت پیامبر اکرم را در سروده‌ها و اشعار خویش منعکس کردند. هدف از این پژوهش، شناخت ابعاد گوناگون سیره پیامبر اعظم (ص) است که در میراث شعری صدر اسلام به یادگار مانده بود. نظریه مطرح در این پژوهش بر بهره‌مندی چشمگیر شاعران صدر اسلام از مکارم اخلاقی پیامبر اکرم (ص) استوار است. روش به کار رفته در این تحقیق کتابخانه‌ای است و بر اساس شناسایی مضامین اشعار متمرکز است. برخی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که این شاعران بیشتر به بُعد هدایتی و مدیریتی حضرت رسول توجه داشته و از نقش کلیدی ایشان در رهبری جامعه اسلامی سخن گفته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** پیامبر اعظم (ص)، صدر اسلام، اخلاق اسلامی، سیره اجتماعی، سیره فردی، شعر عربی.

## ۱. مقدمه

شرایط محیطی و معیشتی جزیره العرب هنگام ظهور اسلام بسیار سخت و طاقت فرسا بود. خشونت سراسر زندگی مردمان آن جزیره را فرا گرفته و رفتارهای تند بادیه‌نشینی جایگزین منش‌های پاک انسانی شده بود. در این اوضاع و احوال، دین مبین اسلام پا به عرصه ظهور گذاشت و پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> به عنوان آخرین فرستاده خداوند متعال به سوی بشر با انگیزه اصلاح رفتارهای انسانی مبعوث شدند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (الطبرسی، ۱۹۹۵: ۸۶/۱۰) و خداوند عز و جل درباره آراستگی پیامبر اکرم به اخلاق والا می‌فرمایند: «وَ أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم: ۴). البته خود پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> اخلاق خود را حاصل تأدیب خداوند متعال می‌داند: «أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي» (المجلسی، ۱۹۸۳: ۲۱۰/۱۶). این خلق و خوی الهی که در وجود مقدس رسول خدا<sup>(ص)</sup> مجسم شده بود، آیین و دستور العمل مسلمانان در تعامل اجتماعی قرار گرفت.

امروزه بازخوانی سیره پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و تحقیق در ابعاد انسانی آن، راه را برای هدایت جامعه هموار می‌سازد. یکی از مهم‌ترین ابعاد اجتماعی حضرت، بُعد هدایتی و رهبری ایشان است که تحقیق عالمانه در آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. پژوهش حاضر، این فرضیه را مورد تحقیق قرار می‌دهد که بهره‌مندی شاعران صدر اسلام از مکارم اخلاقی بسیار چشمگیر بوده و آنان در صدد برآمده بودند تا سجایای اخلاقی پیامبر را به زیباترین بیان ممکن به تصویر بکشند. بی‌شک نقش رسانه‌ای شاعران در آن دوران انکار ناپذیر بوده است و همه بر تأثیر شگرف آنان بر افکار عمومی جامعه اذعان داشتند. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نیز، شعر را ابزاری برای انتقال حکمت و معرفت ناب انسانی دانستند. ایشان فرمودند: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةً» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۳۷۹/۴). سؤال اصلی این تحقیق نیز در همین راستاست که شاعران صدر اسلام، سیره پیامبر را چگونه درک نموده و به مردم عرضه کردند؟

شاعران و سخنوران این دوره که به سیره نبوی پرداخته و در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: حسان بن ثابت انصاری، کعب بن زهیر، عبد الله بن رواحه، نابغه جعدی، کعب بن مالک انصاری، لبید بن ربیع، عباس بن مرداس سلمی و نعمان بن بشیر انصاری. در ضمن اشعار منسوب به امیر المؤمنین علی<sup>(ع)</sup> و پدر بزرگوارش حضرت ابوطالب<sup>(ع)</sup> که سرشار از مدح و ستایش پیامبر اعظم است نیز در این تحقیق مورد استناد قرار گرفته است. بی‌شک کتاب‌های زیادی درباره اخلاق پیامبر بر اساس آیات و روایات نوشته شده؛ اما بررسی این موضوع از نگاه شاعران کمتر صورت گرفته است. در این زمینه پایان‌نامه‌ای با عنوان

«شخصیة الرسول محمد<sup>(ص)</sup> في شعر صدر الاسلام» اثر منور الحری در سال ۲۰۰۹م در دانشگاه مؤتة اردن دفاع شده و نیز کتابی با همین عنوان اثر حمید الجبوری نوشته شده است که هر دو با رویکرد این پژوهش کاملاً متفاوت است. در این دو اثر از اشعار امام علی<sup>(ع)</sup> و حضرت ابوطالب بسیار کم و برای منظوره‌های خاص استفاده شده و از شاعرانی که مسلک شیعی دارند کمتر یاد شده است. علاوه بر این دو اثر، مقالاتی چند که این موضوع را به صورت موردی و در شعر شاعرانی خاص مورد پژوهش قرار داده، وجود دارند که در پیشینه این بحث می‌توان گنجاند؛ مانند مقاله «البعء الانسانی لشخصیة الرسول الاعظم في شعر حسان بن ثابت» اثر عقیل جاسم دهش که در شماره ۳۰ سال ۲۰۱۳ مجله مرکز دراسات الکوفة منتشر شده است. مقاله «تطور محتوایی مدایح نبوی در شعر شاعران عرب» اثر محمد دزفولی و همکاران که در شماره ۴ پاییز ۱۳۹۰ مجله ادب عربی دانشگاه تهران چاپ شده است و مقاله «بازتاب شخصیت پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> در شعر معاصر فارسی» اثر سعید بزرگ بیگدلی و مریم صادقی که در مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی (شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۶) منتشر گردیده است.

روش نگارنده در تحقیق این موضوع بدین شکل بوده است: ابتدا دیوان شاعران مذکور را که بالغ بر هفت هزار بیت است مطالعه کرده و سپس به جمع‌آوری مطالب موضوع اقدام نموده است. بسیاری از این اشعار تفاوت‌های لفظی و معنایی داشته که با مراجعه به منابع معتبر به تصحیح آن پرداخته شد. گام بعدی دسته‌بندی موضوعی اشعار مورد نظر و تحلیل محتوایی آن بوده که با استفاده از منابع روایی و تاریخی معتبر صورت پذیرفته است. آن چه در این خصوص حایز اهمیت بوده یافتن وجه صحیح اطلاعات و داده‌هاست. بی‌شک اطلاعات درست و واقعی نقش اساسی در رسیدن به نتایج مهم و حقیقی ایفا می‌کند. در پایان این مقاله دستاوردهای حاصل در قالب یک نتیجه‌گیری جامع بیان شده است.

## ۲. بررسی سیره پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>

یکی از اهداف مهم بررسی سیره پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به کارگیری اصول اخلاقی آن در جامعه اسلامی و تحقق رسالت خداوند متعال است. حضرت محمد<sup>(ص)</sup> به عنوان انسان کامل و جامع کمالات انسانی بهترین الگو برای انسان‌های کمال‌جو و جامعه آرمان‌گراست. کنکاش در جزئیات زندگی آن بزرگوار به مثابه جستجو برای خوشبختی انسان‌هاست. تحقیق در آموزه‌های انسان‌ساز پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و درک و فهم صحیح سنت از خلال تعمق و تدبیر در رفتار فردی و جمعی آن حضرت، راه را برای بنای جامعه آرمانی هموار می‌سازد. نگاه عمیق و عالمانه به

ویژگی‌های شخصیتی حضرت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> اعم از ویژگی‌های برآمده از سیره فردی و یا خصوصیات رفتاری که از سیره اجتماعی آن حضرت برخاسته، منجر به استیعاب دقیق و فهم جامع آن خصوصیات می‌گردد.

## ۲-۱. سیره فردی

رفتار و کردار پیامبران الهی سرمشق رفتار و کردار انسان‌های الهی مسلک است. کسانی که خدا را در هر کاری و هر امری چه کوچک و چه بزرگ مد نظر داشته و هرگز از یاد خدا غافل نمی‌مانند. این انسان‌های بزرگ، صفات منحصر به فردی دارند که هر یک درس و الگویی برای خوب زندگی کردن به شمار می‌روند. پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> در سیره فردی خود، از اوصاف بی‌نظیری برخوردار بودند که برای مردم بسیار عبرت‌آموز بود. شاعران با دیدن این خصلت‌های بی‌همتا دست به نظم آنها زدند که به شرح ذیل بیان می‌گردند:

### ۲-۱-۱. عفت و پاکدامنی

شاعران و سخنوران صدر اسلام بارها به خصلت پاکی و پاکدامنی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> پرداخته و آن را در ذات مقدس پیامبر راسخ و پایدار دانسته‌اند. رفتار و کردار پیامبر در تعامل با مردم حکایت از نهادینه شدن این خصلت پاک در وجود حضرت دارد.

عباس بن مرداس سَلَمی، از شاعران جنگجوی دوران جاهلی و اسلامی است که در فتح مکه نقش بسیار مهمی داشته و در مدح پیامبر اشعار فراوانی سروده است، و در تاریخ نیز آمده که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به او هدیه‌ها داده است (ابن عبد ربه، ۱۹۴۰: ۲۹۱/۵). این شاعر در بیان مطالب فوق خطاب به پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌سراید:

و أنتَ لَمَّا وُلِدْتَ أَشْرَقْتَ الـ  
من قَبْلِهَا طِبْتَ فِي الظَّلَالِ وَفِي

أَرْضُ وَضَاءَتْ بِنُورِكَ الْأَفْقُ  
مُسْتَوْدَعٌ حَيْثُ يُخَصَفُ الْوَرَقُ

(السلمی، ۱۹۹۱: ۱۱۹)

حضرت ابوطالب<sup>(ع)</sup> پدر گرامی امام علی<sup>(ع)</sup> که در تربیت و حمایت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> تلاش بسیاری نموده است، در بیان سلاله مطهر پیامبر و وصف نسب پاک ایشان، این گونه سروده بودند:

أَلَا إِنَّ خَيْرَ النَّاسِ نَفْسًا وَوَالِدًا  
نَبِيُّ الْإِلَهِ وَالْكَرِيمِ بِأَصْلِهِ

إِذَا عَدَّ سَادَاتُ الْبَرِيَّةِ أَحْمَدُ  
وَ أَخْلَاقِهِ وَ هُوَ الرَّشِيدُ الْمُوَيْدُ

(ابوطالب، ۱۴۱۶: ۸۲)

شاعر در این دو بیت، پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را از بهترین مردم و اشراف قوم دانسته و اصل و نژاد او پاک‌ترین اصل و نژاد بر شمرده که از سوی خداوند متعال برگزیده و مقدم گردیده است. در شعر دیگری از ابوطالب، حضرت پیامبر عزیزترین و گرامی‌ترین خلق معرفی شده و این عزت و کرامت از عزت و کرامت خداوند منان اشتقاق یافته است:

لَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهُ التَّبِيَّ مُحَمَّدًا      فَأَكْرَمُ خَلْقِ اللَّهِ فِي النَّاسِ أَحْمَدُ  
وَ شَقَّ لَهُ مِنْ اسْمِهِ لِيَجْلَهُ      فَذُو الْعَرْشِ مَحْمُودٌ وَ هَذَا مُحَمَّدُ

(همان: ۸۷)

از دیگر شاعران بسیار مشهور این دوران که به «شاعر الرسول» معروف بود، حسان بن ثابت انصاری است. این شاعر بسیاری از اتفاقات و رویدادهای مهم دوران پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را در اشعارش گنجانده و شعر او به مثابه تاریخ مدون اسلام به شمار می‌رفته است. پیامبر اکرم در حق این شاعر فرمودند: «لاتزال يا حسان مؤيداً بروح القدس ما نصرتنا بلسانك» (الاميني، ۱۹۷۷: ۷/۲). این گفته پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نشانگر ویژگی شعر متعهد و پایبند به دین مبین اسلام است. بر این اساس شعری که در راستای اهداف دین قرار گیرد مشمول الطاف الهی قرار خواهد گرفت.

حسان بن ثابت اشعار و سروده‌های فراوانی در وصف و ستایش پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به نظم درآورده که در یکی از این اشعار معروف، پیامبر خدا را گرامی‌ترین، بخشنده‌ترین، پاک‌ترین و خوش‌نژادترین انسان‌ها معرفی کرده و مانند ماه نورانی، پر خیر و برکت دانسته است:

وَ اللَّهُ رَبِّي لَا تُفَارِقُ مَا جَدًّا      عَفَّ الْخَلِيقَةَ مَا جَدَّ الْأَمْجَادِ  
مُتَّكِرًا يَدْعُو إِلَى رَبِّ الْعُلَى      بَذَلَ النَّصِيحَةَ رَافِعَ الْأَعْمَادِ  
مِثْلَ الْهَلَالِ مُبَارَكًا ذَا رَحْمَةٍ      سَمَحَ الْخَلِيقَةَ طَيِّبَ الْأَعْوَادِ

(حسان، ۱۹۸۰: ۱۳۷)

این شاعر در سروده دیگری که بسیار مشهور است، پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را زیباترین خلق و از هر نقص و عیبی مبرا دانسته، گویی به دلخواه خود آفریده شده است:

وَ أَحْسَنُ مِنْكَ لَمْ تَرَ قَطُّ عَيْنِي      وَ أَجْمَلُ مِنْكَ لَمْ تَلِدِ النِّسَاءُ  
خُلِقْتَ مُبْرَأً مِنْ كُلِّ عَيْبٍ      كَأَنَّكَ قَدْ خُلِقْتَ كَمَا تَشَاءُ

(همان: ۶۶)

در پایان این بخش به شاعر دیگری اشاره می‌کنیم که بیشتر اشعارش را در مدح و رثای

پیامبر اکرم (ص) سروده است. این شاعر کعب بن مالک انصاری نام دارد که از خاندان شعر و ادب زاده شده است. این شاعر در بسیاری از نبردها همراه پیامبر بوده و در این خصوص اشعار حماسی فراوانی سروده است. وی در قصیده‌ای، حسب و نسب پیامبر اکرم (ص) را بالاترین حسب و نسب قلمداد و این اصالت و پاکی سلاله پیامبر را همچون نوری در تاریکی تشبیه کرده که منجر به رستگاری و هدایت مردم شده است:

لَهُ حَسَبٌ فَوْقَ كُلِّ الْأَنَا	مِ مِنْ هَاشِمٍ ذَلِكَ الْمُرْتَجَى
نُحْصُ بِمَا كَانَ مِنْ فَضْلِهِ	وَ كَانَ سِرَاجًا لَنَا فِي الدُّجَى
وَ كَانَ بَشِيرًا لَنَا مُنْذِرًا	وَ نُورًا لَنَا ضَوْءُهُ قَدْ أَضَا
فَأَنْقَذَنَا اللَّهُ فِي نَوْرِهِ	وَ نَجَّى بِرَحْمَتِهِ مِنْ لُظَا

(کعب بن مالک، ۱۹۶۶: ۱۷۳)

#### ۲-۱-۲. صدق و امانتداری

یکی از ویژگی‌های مهم اخلاقی پیامبر اکرم (ص)، راستی و امانتداری ایشان است. این خصلت والای انسانی از اوان کودکی در وجود پیامبر اکرم (ص) متجلی و آشکار بود. بسیاری از شاعران در مورد این بُعد اخلاقی پیامبر شعر سرودند که در این میان شاعران صدر اسلام و اشعار دلنشین آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردارند؛ زیرا که این شاعران، خلق و خوی پیامبر را از نزدیک لمس کردند و برای آنان کاملاً محسوس و عینی بود. امام علی (ع) درباره صدق و راستی پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

إِنَّ ابْنَ أَمْنَةَ النَّبِيِّ مُحَمَّدًا	رَجُلٌ صَدُوقٌ قَالَ عَنْ جَبْرِيلَ
إِنِّي بِرَبِّي وَاثِقٌ وَ بِأَحْمَدِ	وَ سَبِيلُهُ مُتْلَاحِقٌ بِسَبِيلِي

(الديوان، ۱۹۸۵: ۱۴۶-۱۴۷)

امام علی (ع) در این شعر، ضمن یادآوری کلام خداوند در قرآن کریم، کلام پیامبر را کلام خدا دانسته و آن را لازم الاجرا می‌داند. ایشان در جای دیگر این مضمون را مورد توجه قرار می‌دهند، با این تفاوت که این بار بر امانتداری پیامبر اکرم (ص) تأکید می‌کنند:

بِئْسَ أَتَى مِنْ كُلِّ وَحِيٍّ بِحُطْبَةٍ	فَسَمَاءُ رَبِّي فِي الْكِتَابِ مُحَمَّدًا
أَعْرُ كُضُوءَ الْبَدْرِ صُورَةً وَجْهَهُ	جَلَا الْغَيْمُ عَنْهُ ضَوْءُهُ فَتَوَقَّدَا
أَمِينٌ عَلَى مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ قَلْبَهُ	وَ إِنْ قَالَ قَوْلًا كَانَ فِيهِ مُسَدَّدًا

(همان: ۷۰)

حضرت ابوطالب<sup>(ع)</sup> که با پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> انس و الفتی خاص داشت و از اوان کودکی با شمایل و فضایل رسول خدا<sup>(ص)</sup> آشنا بود، از چند منظر امانتداری و راستی پیامبر را در شعر خود مطرح کرده است. از یکسو، صدق و راستی پیامبر را به عنوان خصلت ذاتی قلمداد می‌کند که در سرشت و فطرت حضرت نهادینه شده و ایشان از همان دوران طفولیت به راستی و راستگویی معروف بودند:

أَنْتَ النَّبِيُّ مُحَمَّدٌ      قَرَّمَ أَغْرُ مُسَوِّدٌ  
وَ لَقَدْ عَهَدْتُكَ صَادِقًا      فِي الْقَوْلِ لَا تَتَزَيَّدُ  
مَا زِلْتَ تَطْبِقُ بِالصَّوَا      بِ وَ أَنْتَ طِفْلٌ أَمْرُدُ

(ابوطالب، ۱۴۱۶: ۸۸-۸۹)

از سوی دیگر، حضرت ابوطالب راستی و امانتداری پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را نشانه پیامبری دانسته؛ زیرا که وحی الهی باید بر کسی نازل شود که تاب تحمل بار سنگین امانت را داشته باشد و صادقانه تقدیم مردم کند:

أَنْتَ الْأَمِينُ أَمِينُ اللَّهِ لَا كَذِبُ      وَ الصَّادِقُ الْقَوْلِ لَا هُوَ وَ لَا لَعْبُ  
أَنْتَ الرَّسُولُ رَسُولُ اللَّهِ نَعْلَمُهُ      عَلَيْكَ تَزَلُّ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

(همان: ۷۵)

صدق و امانتداری پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> بر کسی پوشیده نبود و مردم مکه و اطراف آن این فضیلت اخلاقی پیامبر را می‌شناختند و آن را دلیلی بر وحیانی بودن کلام پیامبر می‌دانستند. به هر حال، این منش پاک انکارناپذیر بود و چنانچه کسی به رد آن می‌پرداخت مورد ملامت و سرزنش واقع می‌شد. ابوطالب در بیان این مطلب می‌گوید:

أَمِينٌ حَبِيبٌ فِي الْعِبَادِ مُسَوِّمٌ      بِخَاتِمِ رَبِّ قَاهِرٍ لِلْخَوَاتِمِ  
يَرَى النَّاسُ بَرَهَانًا عَلَيْهِ وَ هَيْبَةً      وَ مَا جَاهِلٌ فِي قَوْمِهِ مِثْلَ عَالِمِ  
نَبِيِّ أَنَاهُ الْوَحْيِيُّ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ      فَمَنْ قَالَ لَا، يَقْرَعُ بِهَا سِنَّ نَادِمِ

(همان: ۱۵)

عباس بن مرداس سلمی در مورد امانتداری پیامبر به نکته بسیار مهم و قابل توجهی اشاره می‌کند. وی اهمیت موضوع امانتداری پیامبر را از این دید می‌بیند که پیامبر، امین وحی الهی و حافظ رسالت خداوند است و این یک مسؤولیت بسیار سنگین است. همین امانتداری و تلاش بی‌وقفه پیامبر بود که باعث شد پایه‌های اسلام استوار و پا بر جا بماند:

نَبِيٌّ أَنَا بَعْدَ عَيْسَى بِنَاطِقٍ  
أَمِينًا عَلَى الْفِرْقَانِ أَوْلَ شَافِعٍ  
تَلَا فِي عَرَى الْإِسْلَامِ بَعْدَ انْفِصَامِهَا  
مِنَ الْحَقِّ فِيهِ الْفِصْلُ مِنْهُ كَذَلِكَ  
وَآخِرَ مَبْعُوثٍ يُجِيبُ الْمَلَانِكَا  
فَأَحْكَمَهَا حَتَّى أَقَامَ الْمَنَاسِكَا

(السلمي، ۱۹۹۱: ۱۲۰-۱۲۱)

دو خصلت راستی و امانتداری که در سیره فردی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> بسیار برجسته و قابل توجه هستند، در سیره عملی و اجتماعی حضرت نیز راه پیدا می‌کنند، و در این بُعد نیز قابل بحث و بررسی هستند؛ اما به دلیل سامان یافتن مطالب و دسته‌بندی موضوعات و پرهیز از تکرار آن، ترجیحاً این دو ویژگی مهم اخلاقی پیامبر در سیره فردی ایشان مورد بررسی قرار گرفتند و از ذکر آن در سیره اجتماعی پیامبر صرف‌نظر شد.

#### ۲-۱-۳. شجاعت و دلاوری

حق‌گویی و ایستادگی در برابر ظلم و ستم نیاز به شجاعت دارد. در جامعه‌ای که سراسر باطل و حق‌کشی بود، حضرت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> پرچم ظلم‌ستیزی و حق‌گستری را در دست گرفت و شجاعانه و دلاورمردانه با سران کفر و نفاق جنگید. بی‌شک این شجاعت پیامبر پشتوانه الهی داشت؛ چون با توکل بر خداوند متعال و مددجویی از نیروی ایمان توانست تمامی زورمداران را به زانو درآورد و بر ستم‌پیشگان غلبه کند. در آغاز دعوت اسلامی، مشرکان قریش فشارهای فراوانی بر پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> وارد کردند تا حضرت را از دعوت به دین مبین اسلام بازدارند. اما پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> با شجاعت مثال‌زدنی در برابر تمام فشارها ایستادند و به دعوت خود ادامه دادند و آن سخن معروف را فرمودند: «وَاللَّهِ لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسَ فِي بَيْتِي وَ الْقَمَرَ فِي يَسَارِي عَلَيَّ أَنْ أَتْرَكَ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ أَوْ أَهْلَكَ فِيهِ، مَا تَرَكْتُهُ» (ابن هشام، ۱۴۱۱: ۳۲۶/۱).

کعب بن زهیر از شاعران دو دوره جاهلی و اسلامی و صاحب قصیده معروف «البردة» در مدح پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، در یکی از ابیات مشهور این قصیده به شجاعت پیامبر اشاره می‌کند و حضرت را شمشیری بران از شمشیرهای خداوند متعال می‌داند که همواره در برابر ظلم و ستم مهیا و آماده بوده است. وی می‌گوید:

إِنَّ الرَّسُولَ لَسَيْفٌ يُسْتَضَاءُ بِهِ  
مُهَنَّدٌ مِنْ سِوْفِ اللَّهِ مَسْلُورٌ

(کعب بن زهیر، ۱۹۹۷: ۶۷)

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> در یک قصیده رثائیه در سوگ پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>



به شجاعت و دلاوری و بی‌باکی پیامبر اشاره می‌کند و او را از شیران بیشه‌ها شجاع‌تر و دلاورتر می‌داند، که از مرگ هراسی ندارد و همواره با آن دست و پنجه نرم می‌کند:

جواذ تشطی الخیلُ عنه کأثما  
یرین به لیثاً علیهن ضاریا  
من الأسدِ قد أحمی العرین مهابةً  
تفادی سباع الأرض منه تفادیا  
شدید جریء النفس هذ مُصدّر  
هو الموت مغدوً علیه و غادیا

(الدیوان، ۱۹۸۵: ۲۱۶)

این توصیف حضرت علی نشان دهندهٔ ترس بودن رسول خدا<sup>(ص)</sup> در جنگ‌ها و به ویژه در مبارزه با دشمنان خداست. در جای دیگر حضرت علی<sup>(ع)</sup> شجاعت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را به مثابهٔ نیرو و قدرتی برای مسلمانان در مقابل جبهه ظلم و کفر عنوان و حضرت پیامبر را برای مسلمانان پناهگاه و جایگاه امن قلمداد می‌کند. از این روی، مسلمانان همواره به وسیلهٔ حمایت و پشتیبانی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> عزیز و سربلند بودند:

و کنت لنا کالحصن من دون أهله  
و کنا به شمّ الانوف بنحوه  
لَه معقلٌ حرزٌ حرزٌ من العدی  
علی موضعٍ لا یسطعُ و لا یرى

(همان: ۹)

البته همین مطلب در یک گفتار مشهور از حضرت امیر المؤمنین<sup>(ع)</sup> نقل شده است که فرمودند: «کُنَّا إِذَا أَحْمَرَّ الْأَسَدُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، فَلَمْ يَكُنْ أَحَدًا مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ» (الشریف الرضی، ۱۴۱۲: ۵۲۰). هنگامی که کارزار سخت می‌گشت و ترس از دشمن بسیار می‌شد، خود را به وسیلهٔ رسول خدا<sup>(ص)</sup> محافظت می‌کردیم و هیچ یک از ما از آن حضرت به دشمن نزدیک‌تر نبود.

حسان بن ثابت انصاری که از یاران پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> بودند، شجاعت پیامبر را از نزدیک دیدند و دلاوری حضرت را در اشعارش به گونه‌های مختلف نشان دادند. در یکی از این اشعار، پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را شجاع‌تر از هر شجاع می‌داند؛ آن جا که شجاعان جرأت و شهامت خود را از دست می‌دهند. حسان، حضرت پیامبر را در سرعت و جنگاوری مانند شهاب درخشان توصیف می‌کند که تاریکی شب‌های جوانمردان را می‌شکافد:

ماضٍ علی الهولِ رکاّبٌ لما قطعوا  
و افٍ و ماضٍ شهابٌ یستضاء به  
إذا الکماة تحاموا فی الصنادیدِ  
بدرٌ أنارَ علی کُلِّ الأماجیدِ

مُبَارَكُ كَضِيَاءِ الْبَدْرِ صَوْرَتُهُ      مَا قَالَ كَانَ قَضَاءً غَيْرَ مَرْدُودٍ

(حسان، ۱۹۸۰: ۱۳۷)

حسان در ابیات یاد شده، شجاعت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را همراه با عزم و اراده می‌داند، و این خصلت انسان‌های بلند همت و با اراده است. شجاعت و دلآوری پیامبر تنها در زور بازوان و ضرب شمشیر ایشان نبود؛ بلکه پشتوانه قوی و اراده استوار را نیز در بر می‌گرفت. «کعب بن مالک انصاری» ضمن تأیید این خصلت مهم در وجود پیامبر، ایشان را منبع قوت قلب یاران خود می‌داند:

نَجْدُ الْمَقْدَمِ مَاضِي الْمَهْمِ مُعْتَزَمٌ      حِينَ الْقُلُوبِ عَلَى رَجْفٍ مِنَ الرَّعْبِ  
يَمْضِي وَ يَذْمُرْنَا عَنْ غَيْرِ مَعْصِيَةٍ      كَأَنَّهُ الْبَدْرُ لَمْ يُطْعِ عَلَى الْكَذِبِ

(کعب بن مالک، ۱۹۶۶: ۱۷۵)

حضرت ابوطالب<sup>(ع)</sup> شجاعت و دلآوری پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را به زیباترین وجه توصیف می‌کند و آن را صفتی برجسته در مجموع صفات پیامبر می‌داند؛ زیرا که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، شجاعت را در وجود خود نهادینه کرده و این ویژگی مهم در سیره عملی حضرت کاملاً نمایان و آشکار است:

جَرِيءٌ عَلَى جُلَى الْخَطُوبِ كَأَنَّهُ      شِهَابٌ بَكَفِّي قَابِسٍ يَتَوَقَّدُ  
طَوِيلُ النِّجَادِ خَارِجٌ نِصْفَ سَاقِهِ      عَلَى وَجْهِهِ يُسْقَى الْغَمَامُ وَ يُسْعَدُ

(ابوطالب، ۱۴۱۶: ۸۳)

#### ۲-۴. تقوا و پرهیزکاری

پرهیزکاری و تقوای الهی دو ویژگی مهم در سیره پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> محسوب می‌گردند که در گفتار و رفتار و کردار حضرت مشهود بودند. خداوند متعال، حضرت پیامبر را بهترین الگو برای کسانی که تقوای الهی را پیشه کنند، معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الاحزاب: ۲۱). حضرت امیرالمؤمنین نیز، پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را پیشوای هر پرهیزکار و چشم‌بینای هر هدایت‌شده توصیف نموده است: «هُوَ إِمَامٌ مِّنْ اتَّقَى، وَ بَصِيرَةٌ مِّنْ اهْتَدَى» (الشریف‌الرضی، ۱۴۱۲: ۱۳۹).

حسان بن ثابت انصاری در بیان فضیلت‌های پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به دو فضیلت پرهیزکاری و بخشندگی اشاره می‌کند و آن را هدیه‌ای الهی دانسته که خداوند متعال به پیامبر خود ارزانی داشته و باعث برتری و افضلیت حضرت شده است:

أعني الرسولَ فإنَّ اللهَ فضَّلَهُ  
على البريةِ بالتقوى و بالجودِ  
فينا الرسولُ و فينا الحقُّ نتبعهُ  
حتَّى المماتِ و نصرٌ غيرُ محدودِ  
(حسان، ۱۹۸۰: ۱۳۶-۱۳۷)

در این راستا، کعب بن مالک انصاری در سوگواره‌ای حزن‌انگیز، تقوای الهی پیامبر را بخشی از میراث گرانسنگ آن حضرت دانسته و به همین جهت، پیامبر اکرم (ص) را همواره هدایت شده و هدایت‌گر می‌بیند:

فُجِعْنَا بِخَيْرِ النَّاسِ حَيًّا وَ مَيِّتًا  
لقد ورثت أخلاقهُ المجدَّ و النقي  
و أدناه من ربِّ البريةِ مقعدا  
فلم تلقه إلا رشيداً و مُرشدا  
(کعب بن مالک، ۱۹۶۶: ۱۹۸)

کعب بن زهیر، حد و اندازه‌ی دو خصلت پرهیزکاری و بخشندگی پیامبر را برای بشر قابل سنجش نمی‌داند و معتقد است تنها خداوند متعال از میزان دینداری و بخشندگی پیامبر اکرم (ص) آگاهی دارد:

تحمِلُهُ الناقَةُ الأدماءُ مُعْتَجِرًا  
و في عطافِهِ أو أثناءَ رَبِطَتِهِ  
بالبردِ كالبدرِ جلی ليلةِ الظلمِ  
ما يعلمُ الله من دينِ و من كرمِ  
(کعب بن زهیر، ۱۹۹۷: ۹۲)

یکی از شاعران بنام دوران صدر اسلام، قیس بن عبد الله، معروف به «النابعة الجعدي» است. وی اشعار متعددی در مدح حضرت رسول (ص) سروده که معروف‌ترین آنها قصیده «رأیة» اوست. این شاعر در بخشی از این شعر به موضوع مهم هدایت‌گری پیامبر اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که پیروی از پیامبر اکرم (ص) و الگو قرار دادن تقوای او منجر به هدایت و تقوای انسان می‌گردد و همین امر باعث رستگاری انسان می‌شود. نابعة جعدی درباره‌ی هدایت یافتن خود می‌گوید:

تبعْتُ رسولَ اللهِ إذ جاءَ بالهدی  
و جاهدتُ حتَّى ما أحسُّ و من معي  
أقيمُ على التقوى و أرضی بفعلها  
بلغنا السماءَ مجدنا و جدودنا  
و يتلو كتاباً كالجِرةِ تیرا  
سُهيلاً إذا ما لاحَ ثمتَ غورا  
و كنتُ من النارِ المخوفةِ اوجرا  
و إنا لنرجو فوقَ ذلكَ مظهرا  
(النابعة الجعدي، ۱۹۹۸: ۵۶ و ۷۱)

شاعران صدر اسلام از سیره فردی رسول خدا (ص) درس‌ها و عبرت‌ها آموخته، و این

درس‌ها را در قصاید و اشعارشان به زیباترین بیان تدوین کردند. آن چه حایز اهمیت است در این رهگذر بُعد تبلیغی و رسانه‌ای شعر است که در آن دوران بسیار اثر گذار بوده است. بی‌شک خصلت‌ها و فضیلت‌های بی‌شمار پیامبر به وسیله شعر گسترش دو چندان می‌یابد و افراد بسیاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امروزه رسانه‌های تبلیغاتی مانند صدا و سیما، مطبوعات و خبرگزاری‌ها که نقش رسانه‌ای شعر در گذشته را ایفا می‌کنند در تبیین ابعاد مختلف زندگی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> بسیار مؤثرند.

پس از بررسی سیره فردی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در اشعار شاعران صدر اسلام به موضوع ارزشمند سیره اجتماعی حضرت اشاره می‌شود که از اهمیت خاصی برخوردار است.

## ۲-۲. سیره اجتماعی

تعامل و رفتار پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در جامعه به عنوان سرمشق فضیلت‌ها و خصلت‌های نیک انسانی، فرصت را برای تحول جامعه از یک مجموعه ناکارساز و ناسازگار به اجتماعی پویا و سازنده فراهم می‌کند. شاعران عصر پیامبر که فرهیختگان جامعه به شمار می‌رفتند، نقش کلیدی در تحقق سیره اجتماعی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> ایفا می‌کردند. بسیاری از فضایل پیامبر که جنبه اجتماعی داشته، در شعر این شاعران منعکس شده و منبع الهام بسیاری از معانی شعری گشته است. اصرار شاعران بر گسترش آموزه‌های پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> از راه شعر نشانگر تعهد این شاعران بر نشر دین مبین اسلام است. موارد ذیل بخشی از سیره اجتماعی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌باشد که در شعر آن دوران تجلی خاص داشته است.

## ۲-۱. هدایت و رهبری

آنچه از بررسی اشعار صدر اسلام جلب توجه می‌نماید، این که بیشتر شاعران به این بُعد اجتماعی پیامبر یعنی هدایت و رهبری توجه خاصی داشتند و آن را به گونه‌های مختلف مورد شرح و ارزیابی قرار دادند. اگر از حضرت امیر المؤمنین<sup>(ع)</sup> شروع کنیم، می‌بینیم که حضرت به نکته مهمی اشاره می‌کنند، و خاطر نشان می‌سازند که هدف از بعثت پیامبر، نجات امت از جهل و نادانی و هدایت آن‌ها به سوی علم و روشنایی بوده است:

أقیکَ بنفسی أیها المصطفی الذی      هدانا به الرحمن من عمه الجهل  
و أفدیکَ حوبائی و ما قدر مهجتي      لمن أنتمی فیہ إلى الفرع و الأصل  
(الدیوان، ۱۹۸۵: ۱۵۲)

عباس بن مرداس سلمی در چند مناسبت مختلف به اهمیت این موضوع اشاره کرده و آن

را مهم دانسته است. وی در یکی از قصایدش، پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را بهترین انسان روی کره خاکی معرفی می‌کند و بعثت حضرت را منجر به تسلیم شدن طاغوت و زدودن ظلمت نادانی اعلام می‌دارد:

يا خيرَ من ركبَ المطيِّ و من مشى  
بل أسلمَ الطاغوتُ و اتبعَ الهدى

فوقَ الترابِ إذا تُعدُّ الأُنفسُ  
و بكِ أنجلي عنا الظلامَ الحنـدِسُ

(السلمي، ۱۹۹۱: ۸۸)

وی در شعری دیگر، ضمن تأکید مجدد این معانی مهم، به قرآن مجید و کلام وحیانی خداوند اشاره می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> با برهان و دلیل توانسته است آتش جهالت را خاموش کند:

رَأَيْتُكَ يَا خَيْرَ الْبَرِيَّةِ كُلِّهَا  
و نُورَتَ بِالْبِرْهَانِ أَمْرًا مَدْمَسًا

نَشَرْتَ كِتَابًا جَاءَ بِالْحَقِّ مُعْلِمًا  
و أَطْفَأْتَ بِالْبِرْهَانِ نَارًا مُضْرَمًا

(همان: ۱۵۴)

نعمان بن بشیر انصاری، از جمله شاعرانی است که در دامان دین مبین اسلام پرورش یافته و در شعر و شاعری و به ویژه در سرودن شعر دینی از دیگر هم‌تایان خود برتر و مقدم است. این شاعر در قصیده‌ای معروف، ضمن مدح رسول خدا<sup>(ص)</sup>، هدایت پیامبر را دستور الهی دانسته و بیان می‌دارد که خود حضرت از کودکی تا کهنولت مورد عنایت خداوند متعال بوده است:

ألم تعلموا أن قد أتاكم رسوله  
و بلغكم ما قد أتاكم من الهدى  
بقول حكيم صادق ثم وصدا  
و عمم عليكم بالنداء و نداء  
على ذلك كهلاً في المشيب و أمردا  
إمام الهدى للناس بالحق لم يزل

(نعمان، ۱۹۸۵: ۹۳-۹۴ و ۹۷)

شاعر در ابیات فوق علاوه بر نشان دادن ویژگی‌های فردی و اجتماعی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، به فراگیر بودن رسالت پیامبر نیز اشاره می‌کند. شاعر بر این نکته تأکید می‌کند که بعثت حضرت رسول برای هدایت همه عالم بوده و نه برای قومی خاص و این همان کلام پیامبر است که فرمودند: «أرسلت إلى الخلق كافة» (البیهقی، بی تا: ۴۳۳/۲).

حسان بن ثابت، نقش پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را در تعلیم و هدایت مردم پس از انقطاع نبوت، بسیار لازم و ضروری دانستند به دلیل این که مردم به سمت بت پرستی و ضلالت روی آوردند. به همین جهت، حضرت رسول در این راه پر خطر مانند چراغی روشن، هدایت

وراهنمایی مردم را بر عهده گرفتند و آموزه‌های دین مبین اسلام را به مردم تعلیم دادند:

نَبِيٌّ أَنَا بَعْدَ يَأْسٍ وَ فَتْرَةٍ      مِنْ الرُّسُلِ وَ الْأَوْتَانِ فِي الْأَرْضِ تُعْبَدُ  
فَأَمْسَى سَرَاجاً مُسْتَبِيراً وَ هَادِياً      يَلُوحُ كَمَا لَاحَ الصَّقِيلُ الْمُهْتَدُ  
وَ أَنْذَرْنَا نَاراً وَ بَشَّرَ جَنَّةً      وَ عَلَّمَنَا الْإِسْلَامَ فَاللَّهُ نَحْمَدُ

(حسان، ۱۹۸۰: ۱۳۴ و ۱۳۵)

نکته بسیار مهمی که شاعران در مورد هدایت و رهبری پیامبر بدان اشاره کردند، لزوم اطاعت از پیامبر به عنوان رهبر جامعه اسلامی و راهنمای مردم در امور دنیوی و اخروی است. در همین خصوص حسان بن ثابت انصاری ضمن بیان بُعد هدایتی پیامبر، خاطر نشان می‌سازد که اطاعت از پیامبر موجب سعادت و خوشبختی می‌گردد:

إِمَامٌ لَهُمْ يَهْدِيهِمُ الْحَقَّ جَاهِداً      مُعَلِّمٌ صَدَقَ إِنْ يَطِيعُوهُ يَسْعُدُوا  
عَفْوٌ عَنِ الزَّلَّاتِ يَقْبَلُ عُذْرَهُمْ      وَ إِنْ يُحْسِنُوا فَاللَّهُ بِالْخَيْرِ أَجْوَدُ

(همان: ۱۴۸)

عبدالله بن رواحه، از یاران پیامبر و از شاعران بنام و از رزمندگان دلاور اسلام، در مورد هدایت پیامبر اظهار می‌دارد که این هدایت به اطاعت و فرمانبرداری بستگی دارد، و هدایت بی اطاعت بی معنی است:

فَإِنِّي وَ إِنْ عَنَّفْتُمُونِي لِقَائِلٌ      فِدَى لِرَسُولِ اللَّهِ أَهْلِي وَ مَالِي  
أَطْعَاهُ لَمْ نَعْدَلُهُ فِينَا بغيرِهِ      شَهَاباً لَنَا فِي ظِلْمَةِ اللَّيْلِ هَادِيَا

(عبدالله بن رواحه، ۱۹۸۲: ۱۳۸)

لزوم اطاعت از پیامبر به عنوان ولی امر به مثابه یک اصل مهم در جامعه اسلامی شمرده می‌شود و در همه سطوح تحقق پذیر است. هر کس به فراخور حال و موقعیت اجتماعی خود مسئول، در برابر افراد تحت امر خود متعهد است و این همان پیام رسول خداست که فرمودند: «كلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیتہ» (البیهقی، بی تا، ۱۶۰/۸).

ابن رواحه در شعر دیگری، پایبند بودن به فرمان‌ها و دستورات پیامبر اکرم (ص) و عمل به آن را نشانه تحقق هدایت و رهبری پیامبر می‌داند:

وَ فِينَا رَسُولُ اللَّهِ يَتْلُو كِتَابَهُ      إِذَا انشَقَّ مَعْرُوفٌ مِنَ الصَّبْحِ سَاطِعُ  
أَرَانَا الْهُدَى بَعْدَ الْعَمَى فقلوبنا      بِهِ مَوَاقِفَاتٌ أَنْ مَا قَالَ وَاقِعُ

(عبدالله بن رواحه، ۱۹۸۲: ۱۶۲)

کعب بن مالک انصاری، از جمله شاعرانی بود که در مورد هدایت و رهبری پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> اشعار فراوانی سرود و در هر شعری به نکات مهم و جالب توجهی اشاره کرد. وی در ابتدا، ضمن بیان این مطلب که دستورات و رهنمودهای خداوند را که توسط منزّه‌ترین و پاک‌ترین مردم یعنی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> بیان شده است با جان و دل پذیرفته و هدایت ایشان را با علاقه وافر و اشتیاق کامل قبول کرده، نه به زور و اصرار:

و مواعظ من ربنا نُهدی بها  
عُرِضَتْ عَلَيْنَا فاشتهينا ذكراها  
بلسانِ أزهَرَ طيب الأثوابِ  
من بعد ما عُرِضَتْ عَلَي الأَحْزَابِ  
(کعب بن مالک، ۱۹۶۶: ۱۸۱)

از سوی دیگر، کعب بن مالک به حمایت خداوند از پیامبر اشاره و ایشان را هدایت‌گر الهی معرفی می‌کند. این شاعر ضمن یادآوری این نکته که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در راهنمایی مردم، صادق و راستین بودند، پیروی از حضرت رسول را مایه رستگاری قلمداد می‌کند:

نذيرٌ صادقٌ أذى كتاباً  
فَمَنْ يَتَّبِعْهُ يُهْدِ لِكُلِّ رَشِدٍ  
و آياتٍ مبینةً تشرُّ  
و مَنْ يَكْفُرْ بِهِ يُجْزِ الكُفُورُ  
أرى اللهَ النَّبِيَّ بِرَأْيٍ صَدِيقٍ  
فَأَيُّدُهُ و سَلْطَةُ عَلَيْهِمْ  
و كَانَ اللهُ يَحْكُمُ لا يُجْـوَرُ  
و كَانَ نَصِيرُهُ نَعَمَ النَّصِيرُ  
(همان: ۲۰۳-۲۰۴)

این شاعر با اطمینان وافر و اعتماد کامل اظهار می‌دارد که لازمه هدایت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمان‌پذیری و اطاعت از اوست و از آن جایی که دستورات پیامبر همان وحی منزل خداوند است، پس بی‌چون و چرا و بدون شک و تردید باید از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> اطاعت و فرمان‌های او را اجرا کرد:

و فینا رسولُ اللهِ نَتَّبِعُ أَمْرَهُ  
تَدْلِي عَلَيْهِ الرُّوحُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ  
إِذَا قَالَ فِينَا الْقَوْلَ لا تَنْطَلِعُ  
يَزَلُّ مِنْ جَوِّ السَّمَاءِ و يَرْفَعُ  
(همان: ۲۲۴)

از بررسی این موضوع در این بخش چند نکته به دست می‌آید: نخست این که رسالت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> رسالتی جهانی بوده و مختص به یک قوم خاص نبوده است. دوم این که هدایت پیامبر همان هدایت الهی است که باید در تمام شؤون انسان‌ها تحقق یابد. سوم این که هدایت پیامبر همان تربیت انسان کامل است که برای تکامل و خودباوری تلاش می‌کند. چهارم این که بهترین الگو برای جامعه آرمانی جهت تدوین یک نظام ایده‌آل همان

بازشناسی سیره عملی پیامبر اکرم (ص) است. پنجم این که لزوم تحقق دستورات الهی، اطاعت از پیامبر است و این یکی از شرط‌های تحقق حکومت اسلامی است.

## ۲-۲-۲. عدالت و دادگری

امام علی (ع) در بیان عدالت و دادگری پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «وَأَشْهَدُ أَنَّهُ عَدْلٌ عَدْلًا، وَ حَكَمٌ فَصْلًا. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَ سَيِّدُ عِبَادِهِ» (الشریف الرضی، ۱۴۱۲: ۳۳۰). حضرت امیرالمؤمنین (ع) در برخی از اشعارش به این بُعد اخلاقی و اجتماعی پیامبر اشاره کردند و اظهار داشتند که عدالت پیامبر از عدالت قرآن و وحی الهی اخذ شده است:

وَأَمْسَى رَسُولُ اللَّهِ قَدْ عَزَّ نَصْرُهُ	وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أُرْسِلَ بِالْعَدْلِ
فَجَاءَ بِفِرْقَانٍ مِنَ اللَّهِ مُنْزَلٍ	مَبِينَةٍ آيَاتُهُ لَذَوِي الْعَقْلِ

(الدیوان، ۱۹۸۵: ۱۵۲)

حضرت ابوطالب (ع) عدالت پیامبر اکرم (ص) را یکی از چند فضیلتی دانسته که خداوند متعال به حضرت عطا فرموده و تمامی این فضیلت‌ها مورد تأیید حق تعالی است. بخشی از این فضیلت‌ها و هدیه‌های الهی عبارتند از: آگاهی، بردباری، دادگری، راستی، میان‌رویی و بخشندگی:

حَلِيمٌ رَشِيدٌ عَادِلٌ غَيْرُ طَائِشٍ	يُوَالِي إِيَّاهَا لَيْسَ عَنْهُ بِذَاهِلٍ
كَرِيمٌ الْمَسَاعِي مَاجِدٌ وَ ابْنُ مَاجِدٍ	لَهُ إِرْثٌ مُجَدِّ ثَابِتٍ غَيْرُ نَاصِلٍ
فَأَيَّدَهُ رَبُّ الْعِبَادِ بِنَصْرِهِ	وَ أَظْهَرَ دِينَهُ حَقُّهُ غَيْرُ نَاصِلٍ
لَقَدْ عَلِمُوا أَنَّ ابْنَنَا لَا مُكَذَّبٌ	لَدَيْهِمْ وَ لَا يَعْنِي بِقَوْلِ الْأَبَاطِلِ

(ابوطالب، ۱۴۱۶: ۱۳۳)

کعب بن مالک انصاری عدالت پیامبر اکرم (ص) را بخش جدایی‌ناپذیر از سیره عملی پیامبر می‌داند و بر این باور است که اگر کسی از پیامبر عادل پیروی کند ناگزیر از فساد و تباهی نجات می‌یابد و به راه راست هدایت می‌شود:

فِينَا الرَّسُولُ شِهَابٌ تَمَّ يَتَّبِعُهُ	نُورٌ مُضِيءٌ لَهُ فَضْلٌ عَلَى الشُّهْبِ
الْحَقُّ مَنْطِقُهُ وَ الْعَدْلُ سِيرَتُهُ	فَمَنْ جَبِبُ إِلَيْهِ يَنْجُ مِنْ تَبِ

(کعب بن مالک، ۱۹۶۶: ۱۷۴)

«حسان بن ثابت انصاری» در بیان عدالت پیامبر به مجموعه‌ای از خصال نیک و اخلاق والای انسانی اشاره می‌کند و سوگند می‌خورد که جمع فضیلت‌هایی مانند: هدایت‌گری،



وفای به عهد، حفظ پیمان، دادگری، راستی، بخشندگی و دیگر صفات ارزشمند تنها در وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) امکان پذیر است و هیچ کس دیگر جامع چنین کمالاتی نخواهی یافت:

تَاللّٰهِ مَا حَمَلْتُ اَنْثٰى و مَا وَضَعْتُ و لَا بَرَا اللّٰهُ خَلْقًا مِّنْ بَرِيَّتِهِ مِنَ الَّذِي كَانَ فِينَا يُسْتَضَاءُ بِهِ مُصَدِّقًا لِلنَّبِيِّنَ الْاٰلٰى سَلَفُوْا	مَثَلُ الرَّسُوْلِ نَبِيِّ الْاُمَّةِ الْهَادِي اَوْفَى بِذِمَّةِ جَارٍ اَوْ بِعِيَادِ مِبَارِكِ الْاَمْرِ ذَا عَدْلٍ و اِرْشَادِ و اَبْدَلِ النَّاسِ لِلْمَعْرُوْفِ لِلْجَادِي (حسان، ۱۹۸۰: ۱۵۵-۱۵۶)
---	---

### ۲-۲-۳. سخاوت و بخشندگی

یکی از خصلت‌های برجسته پیامبر اکرم (ص) که برای عام و خاص سرزمین وحی روشن و نمایان بود، جود و بخشش اوست. گفتار و رفتار پیامبر اکرم (ص) مبین ذات کریمانه و دست سخاوتمند ایشان است. حضرت رسول خدا (ص) در حدیثی، سخاوت را خُلق اعظم خداوند می‌نامد: «السَّخَاءُ خُلُقُ اللّٰهِ الْاَعْظَمُ» (پاینده، ۱۳۷۴: ۵۲۸) و باز فرمودند: «الْجَنَّةُ دَارُ الْاَسْحِيَاءِ» (همان: ۴۳۴)؛ اما در یک توصیف بسیار ساده و در عین حال نافذ و اثر گذار، پیامبر اکرم (ص) انسان سخاوتمند را دارای چنین منزلتی دانستند: «السَّخِيُّ قَرِيْبٌ مِّنَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ مِّنَ النَّاسِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْجَنَّةِ بَعِيْدٌ مِّنَ النَّارِ» (همان: ۵۲۸).

پیامبر اکرم (ص) در تعامل با مردم بسیار کریم و بخشنده بود و تمام کسانی که با ایشان انس و الفتی داشتند، کاملاً با این خصلت پیامبر آشنا بودند. حضرت ابوطالب (ع) در توصیف جود و بخشش پیامبر، او را «عظیم الرّماد» معرفی کردند و این عبارت به معنی فراوانی خاکستر پخت‌وپز، نشانه ضیافت و مهمان‌نوازی میزبان است:

عَظِيْمُ الرَّمَادِ سَيِّدٌ و ابْنُ سَيِّدٍ و بَيْنِي لِاَبْنَاءِ الْعَشِيْرَةِ صَالِحًا اِذَا قَالَ قَوْلًا لَا يُعَادُ لِقَوْلِهِ	يَحْضُ عَلٰى مَقْرٰى الضِّيُوْفِ و يَحْشُدُ اِذَا نَحْنُ طُفْنَا فِي الْبِلَادِ و يَهْدُ كُوْحِي الْكِتَابِ فِي صَفِيْحٍ يُخَلِّدُ (ابوطالب، ۱۴۱۶: ۸۳)
---	---

حسان بن ثابت انصاری بارها در اشعار خود، سخاوتمندی رسول خدا را یادآوری کرده و آن را از خصوصیات برجسته حضرت دانسته است. شاعر در شعر ذیل، ضمن تأکید مطلب پیشین، پیامبر اکرم (ص) را الگوی سخاوتمندان عالم معرفی نموده است:

و ذکرتَ متنا ماجداً ذا همّةٍ  
 أعني النبيّ أخوا التکرّم و الندی  
 فَلَمِثْلِهِ و لمثل ما يدعو له  
 سَمَحَ الخلائقِ ماجداً الإقدامِ  
 و أبرّ من یولی علی الأقسامِ  
 كانَ الممدّحَ ثمّ غیر کهامِ  
 (حسان، ۱۹۸۰: ۴۴۱ و ۴۴۲)

#### ۲-۴. یاری و نیکوکاری

شاعران عصر پیامبر<sup>(ص)</sup>، دلجویی و نیکوکاری حضرت را سر لوحه اشعارشان قرار دادند و آن را قوت قلبی برای مسلمانان می دانستند. حضرت علی<sup>(ع)</sup> از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به عنوان یار و حامی خود یاد می کنند و فقدان ایشان را ضایعه‌ای جان‌گداز عنوان کردند:

ألا یا رسولَ الله کُنتَ رجائیا  
 كأنّ علی قلبی لذكرِ مُحَمَّدٍ  
 و کُنتَ بنا برّاً و لم تکْ جافیا  
 و ما جاءَ من بعدِ النبيّ المکاویا  
 (الدیوان، ۱۹۸۵: ۲۲۰)

حضرت ابوطالب<sup>(ع)</sup>، پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را پناهگاه یتیمان و نیازمندان و ملجأ و مأوی زنان بی‌سرپرست می‌داند. فقیران و مستحقان به حضرت روی می‌آوردند و از دست مبارک ایشان کمک و مساعدت می‌گرفتند. به همین جهت، پیامبر اکرم به عنوان مظهر رحمت و شفقت شناخته شده بود و از نظر رأفت و مهربانی با هیچ کس قابل مقایسه نبود:

و أبيضَ یُستسقی العمامُ بوجهه  
 یلوذُ به الهلّاکُ من آلِ هاشمٍ  
 فلا زالَ فی الدنیا جمالاً لأهلها  
 فَمَن مثله فی الناسٍ أو من مؤملٍ  
 ثَمالُ الیتامی عصمةٌ للأراملِ  
 فهُم عندَهُ فی رحمةٍ و فواضلِ  
 و زیناً علی رِغمِ العدوِّ المخابِلِ  
 إذا قایسَ الحُکامَ أهلَ النفاضلِ  
 (ابوطالب، ۱۴۱۶: ۱۲۵-۱۳۳)

لبید، شاعر بزرگ عصر جاهلی و صاحب یکی از معلقات معروف، پس از ظهور اسلام نزد پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> رفت و از او کمک خواست. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به مساعدت لبید و قوم او شتافت و او را از هلاکت و قحطی نجات داد. لبید در این باره گفت:

أتیناکَ یا خیرَ البریّةِ کُلّها  
 و لیسَ لنا إلاّ إلیکَ فِراؤنا  
 فإِن تدعُ بالسقیا و بالعفو ترسلُ الـ  
 لِترحمنا ما لقینا من الأزلِ  
 و أينَ یفرُّ الناسُ إلاّ إلی الرُّسلِ  
 سماءُ لنا و الأمرُ یقی علی الأصلِ  
 (۱۹۹۳: ۱۶۹، ۱۷۰)

## ۲. نتیجه

از بررسی موضوع سیره پیامبر اکرم (ص) در اشعار صدر اسلام نتایج مهم و جالب توجهی به دست آمد که بسیاری از این نتایج در انتهای هر بخش منظور شده است. اما در این جا به نتایج کلی بحث اشاره می شود که به شرح ذیل است:

- ۱- بیشترین ویژگی‌های سیره پیامبر اکرم (ص) که نظر شاعران صدر اسلام را جلب کرده بود، عبارتند از: عفت و پاکدامنی، صدق و امانتداری، شجاعت و دلاوری، تقوا و پرهیزکاری، هدایت و رهبری، عدالت و دادگری، سخاوت و بخشندگی، و یاری و نیکوکاری.
- ۲- برای رسیدن به جامعه مطلوب و کارآمد، بازساخت دقیق و اجرای عملی سیره انسانی و اخلاقی پیامبر اکرم (ص) امری اجتناب ناپذیر است و این شاخص‌ترین نتیجه این تحقیق است.
- ۳- همان‌گونه که شاعران در گذشته به عنوان زبان گویا و رسانه پر مخاطب به تبلیغ و گسترش اخلاق پیامبر اکرم (ص) می پرداختند، امروزه رسانه‌ها اعم از صدا و سیما، مطبوعات، خبرگزاری‌ها، و سایت‌های اطلاع‌رسانی می‌توانند چنین نقشی را ایفا کنند.
- ۴- خصوصیات اخلاقی یاد شده نیاز فردی و جمعی انسان‌های آرمانگرا و خردورز است. پس نادیده گرفتن این فضیلت‌های بی‌همتا به مثابه دوری از هدف مذکور است.
- ۵- پیاده کردن این آرمان‌های والا و اصول اخلاقی بی‌نظیر که خواست جامعه ایده‌آل است، مستلزم آماده کردن فرد و مهیا ساختن جامعه برای پذیرش تدریجی آنهاست.

## منابع

قرآن کریم.

- ابن عبد ربّه، احمد، العقد الفرید، تحقیق احمد امین و دیگران، القاهرة، لـجـنـة التـألیف والنـشر، ۱۹۴۰.
- ابن هشام، عبد الملک، السیرة النبویة، تحقیق طه عبد الرؤوف سعد، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۱ ق.
- أبو طالب، الدرّة العراء، شرح باقر قربانی زرین، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- الإمام علی، دیوان، شرح نعیم زرزور، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۵.
- الأُمینی، عبدالحسین، العُدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۹۷.
- البیهقی، احمد، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر، د.ت.
- پاینده، ابوالقاسم، محجّ الفصاحة، تهران، جاویدان، ۱۳۷۴ ش.
- حسان بن ثابت الأنصاری، دیوان، تحقیق عبدالرحمن البرقوقی، بیروت، دار الأندلس، ۱۹۸۰.
- السُّلَمی، العباس بن مرداس، دیوان، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۱.
- الشریف الرضی، محمد بن الحسین، محجّ البلاغه، قم، دارالهجرة، ۱۴۱۲ ق.

- شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- الطبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۵.
- عبدالله بن رواحة، دیوان، تحقیق ولید قصاب، بیروت، دارالعلوم، ۱۹۸۲.
- کعب بن زهیر، دیوان کعب بن زهیر، تحقیق علی فاعور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۷ م.
- کعب بن مالک، دیوان، تحقیق سامی مکی العانی، بغداد، مکتبه النهضه، ۱۹۶۶.
- لبید بن ربیعہ، دیوان، تحقیق حنا نصر الحتی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۹۳.
- المجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۳.
- النابغه الجعدي، قیس بن عبد الله، دیوان، تحقیق واضح الصمد، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۸.
- نعمان بن بشیر، شعر النعمان بن بشیر الانصاری، تحقیق یحیی الجبوری، الكويت، دارالقلم، ۱۹۸۵.

Archive of SID